



1

Vol. 12
Spring 2026

Research Paper

Received:
2025/05/20
Revised:
2025/09/20
Accepted:
2025/09/21
Published:
2026/05/22
P.P: 135-157ISSN: 2783-1914
E-ISSN: 3092-7765

State Studies of Contemporary Iran

A Critical Appraisal Review of Iran's "National Independent Policy": Content Analysis of the Harvard Oral History Project (1961–1979)

Shahrooz Shariati^{1*} | Ali Azari Moghadam² | Adel Faryabi³

Abstract

The articulation of a coherent foreign policy strategy in an increasingly complex and multipolar international order constitutes one of the most essential determinants of safeguarding and enhancing national interests. Within this broader framework, strategy in foreign policy not only functions as the organizing principle of a state's patterns of interaction with other actors, but also assumes a pivotal role in maximizing opportunities while simultaneously managing threats that bear upon national security and development. This article undertakes a critical examination of the collapse of the most consequential foreign policy strategy of the Pahlavi monarchy, namely the National Independent Policy. Anchored in the theoretical framework of perspectivism, the study seeks to answer a fundamental question: How did Iranian officials' perceptions of the international system (1961–1979) lead to the ineffectiveness of "national independent policy"? The findings reveal that the persistence of asymmetrical relations between Iran and the great powers, coupled with their pervasive dominance over the country, compounded by a deeply rooted historical mistrust of external powers and the pervasive sense of inferiority felt among Iranian foreign policy elites, engendered profound skepticism among key decision-makers regarding the feasibility of this strategy in a world order structured by unequal power relations. Methodologically, the research proceeded in two stages. In the first stage, employing a directed content analysis, the Harvard Oral History Project was revisited through a thematic reading of the lived experiences of Iranian foreign policy officials. The critical reflections of these officials were selected, coded, and categorized, thereby revealing the most salient thematic constructs shaping their perceptions. In the second stage, drawing upon the method of process tracing, the study delineates the causal dynamics that led to the ultimate failure of the National Independent Policy.

Keywords: Iran, Foreign Policy, Mohammad Reza Shah, National Independent Policy, Iranian Oral History- Harvard.

1. Corresponding Author: Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: shariati@modares.ac.ir
2. PhD Student, Political Sociology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
3. PhD Student, Political Sociology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Shariati, Sh; Azari Moghadam, A; Faryabi, A (2026). A Critical Appraisal Review of Iran's "National Independent Policy": Content Analysis of the Harvard Oral History Project (1961–1979). *State Studies of Contemporary Iran*, 1(12), 135–157. Doi: 10.47176/irsj.2026.1341

Publisher: Imam Hussein University

© Authors



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0).



ارزیابی انتقادی راهبرد «سیاست مستقل ملی» در ایران تحلیل محتوای تاریخ شفاهی هاروارد (۱۳۴۰-۱۳۵۷)

شهرزاد شریعتی*^۱ | علی آذری مقدم^۲ | عادل فاریابی^۳

چکیده

تدوین راهبرد سیاست خارجی، نه فقط سامان‌بخش الگوهای تعامل با سایر کشورها است بلکه نقش تعیین‌کننده‌ای در استفاده بهینه از فرصت‌ها و مدیریت مؤثر تهدیدهای مرتبط با منافع ملی ایفا می‌نماید. هدف این نوشتار ارزیابی انتقادی مهمترین راهبرد سیاست-خارجی پهلوی دوم، موسوم به «سیاست مستقل ملی» است. این پژوهش در چارچوب نظری «پرسپکتیویسم» کوشیده است تا به این پرسش پاسخ دهد که چگونه پنداشت‌های مقامات ایران از نظام بین‌المللی (سالهای ۱۳۴۰-۵۷) به ناکارآمدی سیاست مستقل ملی انجامید؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهد مناسبات نابرابر ایران با قدرت‌های-خارجی، بی‌اعتمادی تاریخی به قدرت‌های خارجی و احساس حقارت کارگزاران سیاست خارجی ایران، موجب می‌شد تا تصمیم‌سازان کلیدی، تردیدی عمیق نسبت به امکان موفقیت این راهبرد در برابر مناسبات قدرت نابرابر جهان وجود داشته باشد. داده‌های این-پژوهش در دو مرحله بررسی شد؛ در مرحله اول با روش «تحلیل محتوای هدفمند»، تاریخ شفاهی هاروارد، تجربه زیسته جمعی از کارگزاران سیاست خارجی کشور بازخوانی شد و در ادامه با گزینش گویه‌های انتقادی کارگزاران سیاست خارجی ایران، مهمترین مقوله‌ها از تصورات آنان شناسایی شده است؛ در مرحله دوم با به کارگیری روش ردیابی فرآیند، چگونگی ناکامی سیاست مستقل ملی مورد تحلیل قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: ایران، سیاست خارجی، پهلوی دوم، سیاست مستقل ملی، تاریخ شفاهی هاروارد.

۱. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه علوم سیاسی (مسائل ایران) دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Email: shariati@modares.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری، جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۳. دانشجوی دکتری، جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

استناد: شریعتی، شهرزاد؛ آذری مقدم، علی؛ فاریابی، عادل، (۱۴۰۵). ارزیابی انتقادی راهبرد «سیاست مستقل ملی» در ایران

تحلیل محتوای تاریخ شفاهی هاروارد (۱۳۴۰-۱۳۵۷)، **دولت پژوهی ایران معاصر**، ۱(۱۲)، ۱۳۵-۱۵۷.

Doi: [10.47176/irsj.2026.1341](https://doi.org/10.47176/irsj.2026.1341)



مقدمه و بیان مسئله

یکی از مهم‌ترین مسائل سیاسی ایران معاصر، چگونگی راهبرد سیاست خارجی دولت‌ها در مواجهه با توان و قدرت نفوذ نیروهای خارجی بوده است. این پنداشت‌ها از نقش ابرقدرت‌ها در ایران دوره قاجار به راهبردهای «سیاست موازنه منفی»، «سیاست موازنه مثبت» و «نیروی سوم» انجامید و در دوره پهلوی نیز ادامه پیدا کرد. پس از جنگ جهانی دوم اهمیت نفوذ آمریکا در ایران برای کارگزاران سیاست خارجی برجسته‌تر شد و آمریکا در حوادث سیاسی مهمی به حمایت از شاه ایران پرداخت که از آن جمله می‌توان به تهدید شوروی بابت حمایت آن کشور از نیروهای تجزیه طلب جمهوری مهاباد و جمهوری آذربایجان و در مورد دیگر به سرنگونی دولت مصدق و بازگرداندن مجدد شاه به راس قدرت در ایران اشاره کرد. این مداخلات نشان می‌داد که استقلال سیاسی ایران همچنان در معرض محدودیت‌های جدی ناشی از وابستگی به قدرت‌های خارجی است. با این وجود در دهه ۱۳۴۰ شمسی، هم‌زمان با آغاز روند پرشتاب گذار اقتصاد ایران به سرمایه‌داری و تشدید پیوندهای ساختاری میان حکومت پهلوی و ایالات متحده (فوران، ۱۳۷۷: ۴۷۰)، محمدرضا شاه کوشید تا از طریق طراحی راهبردی موسوم به «سیاست مستقل ملی»، نوعی تصویر جدید از استقلال سیاسی و ابتکار عمل در سیاست خارجی ایران ارائه کند. این سیاست در صدد بود تا در شرایط جنگ سرد، ایران را به عنوان کشوری با هویتی مستقل و فراتر از تقسیم‌بندی‌های بلوک شرق و غرب معرفی نماید. با این حال، پرسش اساسی آن است که چگونه پنداشت‌های مقامات ایران از معادلات نظام بین‌المللی طی سال‌های ۱۳۴۰ تا زمان انقلاب اسلامی ایران به ناکارآمدی سیاست مستقل ملی انجامید؟ انتخاب مقطع زمانی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ به علت تمرکز محمدرضا شاه به منظور اجرای برنامه سیاست مستقل ملی در ایران است.

مبانی نظری پژوهش

مطابق نگرش‌های جدید علوم اجتماعی، فهم پدیده‌ها بیش از آنکه ماهیتی پوزیتیویستی داشته باشند دارای ماهیت پرسپکتیویستی هستند و هرگونه شناخت از چشم‌اندازی^۱ خاص صورت می‌پذیرد و باید باورها، تمنیات و علایق کارگزاران را به همراه فرهنگی که در آن زیسته‌اند مورد

1 Perspective

شناسایی قرار داد. (فی، ۱۳۸۱: ۱۶۴-۲۴۱). تصورات ذهنی، اغلب نقش کلیدی در نمایان ساختن پویایی‌ها و تحولات سیاسی دارند (های، ۱۳۸۵: ۳۱۲). با وجود آنکه در نظریات سنتی علم سیاست، افکار و تصورات جایگاه چندانی ندارند و قدرت بیشتر مورد تاکید است (Berman, 1998:16)، به نظر می‌رسد بدون درک تصور ذهنی کنشگران نمی‌توان رفتارهای سیاسی را تحلیل کرد؛ مطالعات متعددی نقش «ادراک»^۱ یا امر ذهنی را بر تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی بررسی کرده‌اند. «رابرت جرویس»^۲ معتقد است که باور نه فقط متفاوت از ایدئولوژی و نگرش است بلکه موضوعی است که می‌توان از آن در پیش‌بینی رفتارهای تصمیم‌گیران سیاست خارجی استفاده کرد (Jervis, 2006:647-659).

در نگرش «تکوین‌گرایی اجتماعی» نیز بر نقش ساختارهای فکری در شیوه «برزیستن»^۳ افراد تاکید شده است و استدلال می‌شود برای تبیین و درک «ساخت اجتماعی علم و دانش»^۴ در هر نحوه نگرش و باور باید از «معرفت‌شناسی»^۵ و چگونگی «برساختن حیات اجتماعی»^۶ از منظر «هستی‌شناختی»^۷ بهره برد (kubalkova, 1998: 19-20). یکی دیگر از نظریاتی که بر نقش ذهن در حیطه سیاست خارجی تاکید دارد، نظریات تصمیم‌گیری «پلی‌هیوریستیک»^۸ است (شریعتی و یوسفی، ۱۳۹۹). مطابق این نظریه تصمیم‌گیران، دستاوردها و خسارات یک تصمیم را بر مبنای شرایط سیاسی خود می‌سنجند (Mintz, 2004:6) و با کمک «میانبرهای ادراکی»^۹، مسئله تصمیم‌گیری را ساده می‌کنند و سپس، بدیل‌ها را با استفاده از «محاسبات تحلیلی»^{۱۰} و انتخاب عقلانی مورد ارزیابی قرار می‌دهند. (Neack, 2019: 30-31). بدین ترتیب برای درک واقعی هرگونه جستار باید روندهای فکری و «منطق درونی» آن را مورد ارزیابی قرار داد (اسپریگنز، ۱۳۸۹: ۳۰). مقاله در ادامه کوشیده است به گونه‌ای روشمند، تصاویر و پنداشت‌های کارگزاران وقت سیاست خارجی ایران را در مورد تحولات داخلی و بین‌المللی ایران مورد ارزیابی انتقادی قرار دهد.

1 Perception

2 Robert Jervis

3 Survive

4 Social Construction of Knowledge

5 Epistemology

6 Construction of Social Reality

7 Ontology

8 Poliheuristic Theory

9 Cognitive Shortcuts

10 Analytical Calculations

پیشینه پژوهش

نادری و هوشنگی (۱۳۹۹) در بررسی علل افزایش فاصله طبقاتی از نگاه کارگزاران پهلوی دوم به تاریخ شفاهی هاروارد رجوع کرده‌اند؛ در بررسی راهبرد سیاست خارجی پهلوی دوم نیز بهستانی (۱۳۹۶)، به دلایل درهم تنیدگی روابط خارجی ایران و آمریکا در دو دهه پایانی پهلوی دوم می‌پردازد؛ نوروزی و همکاران (۱۴۰۴) دوره پهلوی دوم را از منظر نفوذ آمریکا در بستر ساختاری یک دولت «فروسته» ارزیابی کرده‌اند. وزیران (۱۳۹۸) وقوع تغییرات ژئوپلیتیکی در محیط امنیتی ایران در کنار تحکیم قدرت شاه در اواخر دهه ۱۳۴۰ را باعث افزایش نقش آفرینی منطقه‌ای رژیم پهلوی در دوره سیاست مستقل ملی دانسته است. سلطانی احمدی و همکاران (۱۳۹۹) با پرداختن به دکترین سیاست خارجی پهلوی دوم، علت ناکامی سیاست مستقل ملی را وابستگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به بلوک غرب دانسته‌اند و معتقدند در چنین وضعیتی پهلوی دوم قادر به اتخاذ سیاست مستقل ملی نبود. در این میان نکته قابل توجه این است که هیچ پژوهشی در حوزه سیاست خارجی دوره پهلوی دوم به ارزیابی نقش تصورات کارگزاران سیاست خارجی ایران در مورد راهبردهایی همچون سیاست مستقل ملی در بستر تاریخ اشاره نمی‌کنند و تنها به وقایع نگاری آن اشاره دارند. این مقاله سعی بر آن دارد تا با کنکاش در نگاه و تجربه زیسته کارگزاران سیاست خارجی پهلوی دوم، چگونگی و در عین حال علت ناکارآمدی سیاست مستقل ملی را در ایران مورد ارزیابی انتقادی قرار دهد. نوآوری این مقاله مبتنی بر تحلیل روشمند روایت‌های دست اول کارگزاران در این دوره است و این پژوهش کوشیده است تا حد امکان روایتی نزدیک‌تر به منطق درونی تحولات سیاست خارجی ایران را طی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ ارائه دهد.

روش‌شناسی پژوهش

روش کار این مطالعه در مرحله اول مبتنی بر «تحلیل محتوای هدفمند»^۱ اظهارات تعدادی از کارگزاران سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی دوم است که با مجموعه تاریخ شفاهی هاروارد مصاحبه کرده‌اند. مجموعه این مصاحبه‌ها پس از شناسایی متن، کدگذاری و در نهایت شبکه

1 Directed Content Analysis

مضامین تدوین شده است. در فرایند تحلیل داده‌ها از مدل پیشنهادی «براون و کلارک» (Braun & Clarke, 2006: 77-101) که برای تحلیل مصاحبه‌های مبتنی بر تجربه زیسته به کار می‌رود، استفاده شد. پس از چند بار بازخوانی مصاحبه‌ها، کدهای اولیه استخراج و سپس کدها بر اساس شباهت‌ها در طبقات و زیرطبقه‌ها دسته‌بندی شدند تا محتوای نهفته در آنها مشخص شود. به منظور اطمینان از قابلیت داده‌ها، نویسندگان ناگزیر شدند تا مدتی طولانی و به صورت مکرر داده‌ها را بازپردازش کند تا نزدیک‌ترین روایت ممکن به واقعیت پدیدار شود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، ۲۶ مصاحبه منتخب کارگزاران یا مشاوران عالی سیاست خارجی ایران در رژیم پهلوی که با پروژه تاریخ شفاهی هاروارد همکاری کردند، شناسایی شد و در ادامه به واسطه محدودیت‌های واژگانی، گفتار منتخبی از آنها در قالب تجربه زیسته عرضه شد. جدول ذیل مشخصات و مهمترین مشاغل این کارگزاران را نشان می‌دهد:

جدول ۱. مشخصات کارگزاران سیاست خارجی ایران در پروژه تاریخ شفاهی هاروارد

ردیف	کارگزار	مهم ترین مناصب اجرایی
۱	غلامعلی فریور	نماینده دوره چهاردهم مجلس شورای ملی - وزیر صنایع و معادن در کابینه امینی
۲	احمد بنی احمد	نماینده مجلس شورای ملی در مجلس ۲۴ ام
۳	پرویز خسروانی	فرمانده ژاندارمری استان تهران - معاون نخست وزیر
۴	حاج علی کیا	رییس اداره مرزبانی کشور
۵	حسن طوفانیان	معاون و جانشین وزیر جنگ
۶	حبیب نفیسی	معاون و کفیل وزارت کار - بنیان‌گذار و رئیس دانشگاه پلی تکنیک
۷	محمد ناصر قشقایی	نماینده مجلس شورای ملی و سناتور
۸	هرمز قریب	ریاست اداره تشریفات دربار شاهنشاهی
۹	فریدون مهدوی	وزیر بازرگانی در کابینه هویدا و معاون بانک توسعه صنایع و معادن ایران
۱۰	امیر خسرو افشار قاسملو	وزیر امور خارجه - دیپلمات و سفیر ایران در آلمان، بریتانیا و فرانسه.
۱۱	هوشنگ نهاوندی	وزیر علوم و آموزش عالی ۱۳۵۶
۱۲	علینقی عالیخانی	وزیر اقتصاد و رییس دانشگاه تهران ۱۳۵۰-۴۸
۱۳	خسرو اقبال	مشاور حقوقی شرکت ملی نفت - رهبر حزب پیکار
۱۴	داریوش همایون	معاون ریاست حزب رستاخیز
۱۵	ابوالقاسم خردجو	مدیر عامل بانک توسعه صنعتی و معدنی

ردیف	کارگزار	مهم ترین مناصب اجرایی
۱۶	شاپور بختیار	نخست وزیر ۱۳۵۷
۱۷	عباس رمزی عطایی	فرمانده نیروی دریایی شاهنشاهی ۱۳۵۱-۵۴
۱۸	مهدی آذر	وزیر فرهنگ ۱۳۳۱-۱۳۳۰ و سیاستمدار جبهه ملی
۱۹	مهدی پیراسته	نماینده ساوه - وزیر کشور کابینه علم-سفیر ایران در عراق و بلژیک
۲۰	محمد باهری	وزیر دادگستری-معاون وزیر دربار-دبیرکل حزب رستاخیز
۲۱	غلامرضا مقدم	معاون وزیر بازرگانی- معاون بانک مرکزی- قائم مقام و معاون سازمان برنامه
۲۲	مظفر بقایی کرمانی	نماینده مجالس شورای ملی و از رهبران جبهه ملی
۲۳	منوچهر هاشمی	رئیس اداره ضد جاسوسی ساواک
۲۴	محمود فروغی	سفیر ایران در آمریکا و افغانستان
۲۵	محمد یگانه	معاون وزیر اقتصاد- وزیر مسکن و آبادانی
۲۶	فرهنگ مهر	معاون نخست وزیر در کابینه هویدا- قائم مقام کل وزیر دارایی

در گام دوم این پژوهش با روش ردیابی فرآیند^۱، که امکان استنتاج‌های توصیفی و علی را از شواهد تشخیصی فراهم می‌کند (Collier, 2011: 824) نویسنده‌گان، به‌طور تکرار شونده شواهد را گردآوری و فرضیه و نظریه را بازسازی کرده‌اند (Atcha, 2022: 15) به گونه‌ای که این توضیح تمام جنبه‌های مهم نتیجه را پوشش دهد (Beach & Pedersen, 2013) در ادامه با استفاده از روش تحلیل محتوا و با شناسایی سازوکارهای علی نشان داده شد چگونه پنداشت‌های کارگزاران از نقش منفی سه ابر قدرت (آمریکا، شوروی، انگلستان) در ایران در ناکامی «سیاست مستقل ملی» اثر گذار بوده است.

مبانی و اصول سیاست مستقل ملی در عصر پهلوی دوم (۱۳۴۰-۱۳۵۷)

ارزیابی سیاست خارجی معاصر ایران در دوره سلطنت قاجار، تصویری از حضور و نفوذ مستقیم قدرت‌هایی چون انگلستان و روسیه، را نشان می‌دهد (جهانگیری و خالقی‌نژاد، ۱۳۹۹: ۲۶۰) این نگرش به صورت نوعی سنت فکری - دیپلماتیک به دستگاه سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی انتقال پیدا کرد. در همین حال، دهه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را می‌توان دوره‌ای

1 Process tracing

دانست که شاخص اصلی آن «گسترش روابط با بلوک غرب» و به‌ویژه تعمیق وابستگی ساختاری ایران به ایالات متحده بود (گازیوروسکی، ۱۳۷۱: ۲۱۴)؛ این وابستگی، تنها به حوزه نظامی و امنیتی محدود نمی‌شد، بلکه در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی نیز بازتاب یافت و شرایط بستر ذهنی و سیاسی تازه‌ای را برای محمدرضا پهلوی فراهم آورد؛ او که در پی تثبیت و ارتقای نقش منطقه‌ای و بین‌المللی ایران بود، در اوایل دهه ۱۳۴۰ تلاش کرد راهبردی تازه را طراحی کند، که عنوان «سیاست مستقل ملی» به خود گرفت. «سیاست مستقل ملی» به مثابه دگرگونی نوین سیاست خارجی ایران، بر مجموعه‌ای از اصول بنیادین استوار بود که شاه در سخنرانی‌ها و نوشته‌های خود با صراحت از آن‌ها به عنوان چارچوب نظری سیاست خارجی کشور یاد می‌کرد. نخستین اصل سیاست مستقل ملی استقلال در تصمیم‌گیری بود که به اعتقاد خود شاه، نقطه عزیمت هر نوع سیاست ملی محسوب می‌شد. محمدرضا پهلوی در جایی تصریح می‌کند: «...سیاست مستقل ملی ضامن حداکثر استقلال سیاسی و اقتصادی ممکن کشور ما در مسیر مصالح و منافع ملی است و براساس آن هر کوششی که انجام می‌گیرد خواه ناخواه کوششی به نفع ملت خواهد بود» (پهلوی، ۱۳۵۵، ۲۱۴). شاه با وجود آن که بر استقلال سیاست خارجی ایران و تصمیم‌گیری مستقل در برابر فشارهای خارجی پافشاری می‌کرد، در پاسخ به سوال خبرنگاری درباره «روابط موازی» ایران با کشورهای آمریکا، شوروی و چین نیز می‌گوید: «معادلاتی وجود ندارد، سیاست خارجی ما از استقلال کشور ما سرچشمه می‌گیرد ما هر چه مفید باشد در چهارچوب یک سیاست عقلانی مطالعه شده و دور از تحریکات انجام می‌دهیم ما تصمیمات خود را در اینجا در تهران می‌گیریم...» (پهلوی، ۱۳۵۲: ۱۷۶-۱۷۷).

دومین شاخصه سیاست مستقل ملی، چندجانبه‌گرایی و تنوع‌بخشی به روابط خارجی بود. شاه در نطقی دیگر درباره این برقراری رابطه چنین می‌گوید: «...کشور من در حال حاضر در زمینه‌های اقتصادی و صنعتی با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و سایر کشورهای سوسیالیست و همچنین کشورهای متعدد دیگر همکاری‌های وسیعی دارد...» (پهلوی، ۱۳۵۲: ۶۲). شاه همچنین در مواضع رسمی خود مدعی بود سیاست ایران در قبال جهان اسلام، «به سبب همبستگی و علائق استوار مذهبی و تاریخی و جغرافیایی» دوستانه است (پهلوی، ۱۳۵۵: ۲۱۶). سومین شاخص، همزیستی با سایر دولت‌ها در کنار حفظ صلح و حاکمیت و استقلال ایران بود. این هدف، به‌ویژه در دهه ۱۳۵۰ و

هم‌زمان با جهش چشمگیر درآمدهای نفتی، وجهی کاملاً بلندپروازانه یافت. شاه ایران را نه صرفاً به‌عنوان یک دولت پیرامونی بلکه در قامت یک قدرت نوظهور منطقه‌ای تصور می‌کرد که مسئولیت تأمین امنیت خلیج فارس را بر عهده دارد. این تلقی با دکترین «دو ستونی نیکسون» پیوند خورد؛ شاه بارها با اعلام این که خواستار منطقه‌ای «عاری از سلاح‌های هسته‌ای به خصوص در دو منطقه خاورمیانه و اقیانوس هند» است (همان: ۲۱۷)، تأکید داشت که قدرت نظامی ایران می‌تواند حافظ صلح و ثبات در منطقه باشد و نیازی به دستیابی به سلاح‌های پیشرفته اتمی برای حفظ صلح در منطقه نیست. محمدرضا شاه همچنین مدعی بود: «ما حاضریم فقط در تحصیل صلح جهانی با دیگران رقابت کنیم، البته صلحی که در اثر همکاری و هم‌چشمی عادلانه و حسن تفاهم بین ملت‌ها تأمین گردد.... ما طرفدار حقوق بشر و آزادی‌های اساسی هستیم و با استعمار مبارزه می‌کنیم.... ما معتقدیم که ملت‌ها دارای حقوق یکسان هستند و این حقوق باید مورد احترام باشد» (پهلوی، بی‌تا: ۱۰۹-۱۱۰ و ۱۲۲-۱۲۳). شاه همچنین با اتکا به اهرم نفت و نقش‌آفرینی فعال ایران در اوپک، خود را در جایگاه یکی از رهبران کشورهای جنوب معرفی می‌کرد که به دنبال «استقرار نظام اقتصادی نوین و عادلانه به جای نظم اقتصادی غیرعادلانه و کهنه شده کنونی» است (پهلوی، ۱۳۵۵: ۲۲۲-۲۲۳).

مطابق آنچه گذشت، سیاست مستقل ملی ایران، اگرچه برای استقلال و گسترش ظرفیت‌های چندجانبه طراحی شده بود، در عمل به واسطه فرهنگ سیاسی استبدادی و تمرکز قدرت در شاه با موانع عمیقی مواجه شد. این فرهنگ، استقلال واقعی را تضعیف کرد و تصمیمات سیاست خارجی بر اساس تمایلات شخصی شاه و نه منافع ملی شکل می‌گرفت. ترس تاریخی شاه و کارگزاران از قدرت‌های خارجی (فتاحی، ۱۳۸۱: ۱۸-۱۹) به‌ویژه پس از تبعید رضا شاه پهلوی و بدبینی به بلوک‌های شرق و غرب، سیاست خارجی را به ابزاری برای تثبیت اقتدار شخصی تبدیل کرد. محمدرضا پهلوی معتقد بود که «اشغال مملکت به وسیله قوای بیگانه... نشان داد که هیچوقت احترام بی‌طرفی را حفظ نمی‌کنند... ما طالب صلح هستیم و... در راه دفاع از استقلال و تمامیت مملکت... همکاری خود را با همه ممالکی که با ما اشتراک منافع دارند توسعه خواهیم داد» (پهلوی، ۱۳۳۷: ۴۰۵-۴۰۶). با این وجود اما فقدان سازوکارهای کارشناسی مستقل و سلطه فرهنگ غیرمشارکتی، سیاست خارجی ایران را به شبکه‌های وفاداری شخصی وابسته کرد. کارگزاران به جای تحلیل مستقل، به دنبال جلب رضایت شاه بودند که باعث فرسایش توان

آینده‌نگری و راهبردهای پایدار شد (نیازمند، ۱۳۹۹: ۱۲۹). در نتیجه، سیاست مستقل ملی به دلیل تضادهای درونی، اقتدارگرایی و ذهنیت ترس محور ناکام ماند و به تناقضی بین گفتار و کردار رژیم پهلوی تبدیل شد. مقاله در ادامه با ارزیابی نگرش‌های کارگزاران سیاست خارجی ایران در این مقطع زمانی می‌کوشد تا آسیب‌های سیاست مستقل ملی را از این منظر ارزیابی کند.

پنداشت از نقش آمریکا در تحولات داخلی ایران

سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد، نفوذ آمریکا در ایران به شدت افزایش یافت. به طوری که با مطرح شدن سیاست مستقل ملی در دهه ۱۳۴۰ به عنوان ستون اصلی راهبرد سیاست خارجی ایران از گستردگی روابط دو کشور کاسته نشد. بلکه با اجرای سیاست ایالات متحده مبنی بر واگذاری دفاع و امنیت به یکی از کشورهای منطقه در دهه ۵۰، روابط ایران و آمریکا وارد دوران وابستگی بیشتر شد. با این وجود همزمان با این دوره ملاحظه می‌شود کارگزاران رژیم پهلوی پنداشت مثبتی در قبال نقش ایالات متحده نداشته‌اند. جدول شماره یک، گزیده‌ای از گویه‌های نشانگر پنداشت کارگزاران حکومت پهلوی از نقش آمریکا در تحولات داخلی ایران را بر اساس تاریخ شفاهی هاروارد نشان می‌دهد:

جدول ۲. تصویر و پنداشت کارگزاران حکومت پهلوی از نقش آمریکا در ایران، منبع: نگارندگان

تجربیات زیسته	زیر طبقه
یک سرباز آمریکایی می‌زد یک افسر ایرانی را می‌کشت این را می‌بایستی بفرستند به آلمان غربی آن‌جا توی چیز آمریکا محاکمه بشود. اصلاً خیلی مفتضح بود «بقای کرمانی، ۱۹۸۶، ق ۲۱: ص ۱۱». به هر صورت، غرضم این بود که از وقتی من دیدم این آمریکایی‌ها نشستند آنجا عملاً در تمام امور دخالت می‌کنند «هاشمی، ۱۹۸۵، ق ۴: ص ۶۴» مرحوم فروغی نامه‌ای داد به سفارت آمریکا یعنی به سفیر آمریکا و سفیر انگلیس که مداخله در امور این مملکت نکنید.... متأسفانه نشد و اوضاع برگشت. «فروغی، ۱۹۸۲، ق ۷: ص ۱۱۵» نشستیم قراردادی به ما دادند که این قرارداد را خواندیم راجع به مصونیت پرسنل آمریکایی بود در ایران. یعنی مصونیت قضایی‌شان... به این نتیجه رسیدیم که این یک نوع کاپیتولاسیونی را که رضاشاه از بین برده دو مرتبه برقرار می‌کند.... «مهر، ۱۹۸۴، ق ۹: ص ۱۱۵»	احساس دخالت مستقیم آمریکا در امور داخلی و قضایی ایران

تجربیات زیسته	زیر طبقه
۱۲۰. یکی گزارشی تهیه کردیم فوری محرمانه برای دولت. به قرار اطلاع در دولت هم چنین اظهار نگرانی شده بود که مگر با آمریکایی‌ها می‌شود در افتاد؟ آن موقع هم آمریکایی‌ها خیلی در ایران نفوذ داشتند. مقدم، ۱۹۸۳، ق ۱: ۱۴. به نظر من این برنامه را شرکت‌های نفتی آمریکایی با موافقت دولت آن کشور تهیه دیده بودند. به این دلیل که شاه هرگز بدون موافقت آمریکا جرأت چنین اقدام متهورانه‌ای را نمی‌داشت. «محو، ۱۹۸۵، ق ۱۴۲. [به شاه] گفتم که اینها [سالیوان و هایزر] به من گفتند تصمیم گرفتند اعلی‌حضرت بروند بیرون. گفت: «نه». این جمله‌ای که می‌گویم عین جمله شاه است، «خیر، اینها به ما تکلیف کردند برویم». گفتم که تکلیف کردند به شما بروید؟ برای چه تکلیف کردند؟ یعنی چه؟ همین شکلی با او حرف زدم. گفتم نمی‌توانند اینها تکلیف بکنند، نمی‌توانند. گفتم اگر اعلی‌حضرت می‌خواهید بروید من باید با شما بیایم. من نمی‌مانم. گفت: «نه، شما بمانید و ظایف میهنی‌تان را انجام بدهید.» طوفانیان، ۱۹۸۵، ق ۳: ۲۶. یک رئیس دفتر وزارت کشور از وزیر کشور آن‌قدر تبعیت نمی‌کرد که شاه از سفارت آمریکا تبعیت می‌کرد» پیراسته، ۱۹۸۵، ق ۹: ۲۷.	
سال‌های بعد گرفتاری‌های شدید برای سازمان برنامه و کشور ایجاد شده بود تا آنجا که من اطلاع دارم نظر اقتصاددانان دفتر اقتصادی کاملاً مستقل بود و به هیچ وجه از منابع خارجی الهام نگرفته بودند، ولی البته همیشه این سوء ظن در مغز بعضی‌ها بود که چون این کارشناس‌های دفتر اقتصادی یک عده آمریکایی و اروپایی بودند ممکن است تحت تاثیر نظرات آمریکایی‌ها یا دول اروپایی قرار گرفته باشند... مقدم، ۱۹۸۳، ق ۱: ۴. آمریکایی‌ها، حافظ منافع آمریکا بودند، به ایران کاری نداشتند. حافظ منافع آمریکا را داشتند ولی مستشار بودند ادوایس (Advise) به ما می‌دادند، ادوایس (Advise) می‌دادند.... طوفانیان، ۱۹۸۵، ق ۹: ۴. اشخاصی که تجربه بیشتری دارند با مشاورین بین‌المللی، می‌دانند که این مشاوران (آمریکایی) آدم‌های اولاً درست نیستند همیشه، ثانیاً خیلی اوقات نظرهای خاصی دارند و بعد هم از همه مهمتر این است که واقعاً اطلاعاتی که دارند قابل انتقال نیست.... البته در آن موقع جور دیگر شاید نمی‌شد راه برد کار را «خردجو، ۱۹۸۴، ق ۲: ۱۳-۱۴. اصولاً برای همه کارهای مملکت نمی‌شود خارجی آورد. همین حالا مردم ناراحت	سوءظن به استقلال کارشناسان ایرانی و باور به کنشگری مشاوران آمریکایی

تجربیات زیسته	زیر طبقه
هستند که این قدر زیاد مشاورین و کارشناسان خارجی در ایران هست، «مقدم، ق: ۴: ۷» ریاست هیئت نمایندگی صندوق بین المللی پول هم یک امریکایی بود به نام گانتز. دوبار در این جلسات شرکت کردم... یک خاطره بسیار بدی من از این جلسات دارم. وحشت و ارباب و ضعف بعضی از ایرانی ها در مقابل، من اصلاً در مقامی نبودم که بتوانم حرف بزنم فقط می نشستم آنجا گوش می کردم... «نهادندی، ۱۹۸۵، ق: ۴: ۳». مثل این که حکومت ایران مخصوصاً شخص شاه متعهد بود که بایستی، به هر حال یک رژیم حزبی است، حکومت حزبی در ایران برقرار بکند و شاید فشار هم بیشتر از طرف امریکایی ها بود. یکی دیگر مسئله اصلاحات ارضی بود فکر می کردند که معنا ندارد که اراضی حاصلخیز ایران در دست مالکین بزرگ باشد و یک عده ای به نام رعیت در این اراضی کار بکنند و زحمت بکشند و قسمت اعظم از محصول را بدهند به مالک. این سیستم هم سیستم پذیرفته و قابل تحملی نبود و این است که رژیم ایران متعهد بود که مسئله اصلاحات ارضی را حل کند «بهری، ۱۹۸۲، ق: ۲: ۳»	احساس فشار آمریکایی ها برای تغییرات اقتصادی و سیاسی تحمیلی ددر ایران
خود امریکایی ها اغلب به من می رساندند دیگر می گفتند... می خواستند کودتا کنند دیگر! می خواستند کودتا کنند. رئیس دولت هم امینی را بگذارند «کیا، ۱۹۸۵، ق: ۴: ص ۶». «آن چنان بعد که روابط ما با هندوستان هم بهتر شد حتی هندی ها هم برای اعلیحضرت گزارش هایی درباره مذاکرات با شوروی ها می فرستادند. ولی به هر حال همه اینها باب طبع امریکایی ها نبود و آنها احساس خطر می کردند... و به این دلیل من را مسئول این نزدیکی به خیال آنها خطرناک می دانستند «عالیخانی، ۱۹۸۴، ق: ۱۲: ۱۳-۱۴». به هر حال ما می دانیم که در وزارت خارجه امریکا یک عده ای تا پایان ایستاده بودند که شاه برود و رژیم تغییر بکند. با شاه دشمن بودند، این هست که مبارزه حقوق بشر کارتر به مخالفان داخلی شاه جرأت داد و آنها را به جایی رساند که از پیوستن به حکومت برگشتند و در مقابلش ایستادند. «همایون، ۱۹۸۳، ق: ۷: ۴-۵». من وابسته دفاعی امریکا را صدایش کردم تو دفترم. گفتم آقای وابسته دفاعی، شما که کنفدراسیون را «ساپرت» مادی و معنوی می کردید، حالا یک کاری کنید برگردانید. این به هیچ عنوان انکار نکرد فقط گفت: «اما ما دیگر حالا نمی توانیم این ها را برگردانیم «طوفانیان، ۱۹۸۵، ق: ۱۰؛ ۱۰». آمریکایی ها شاه را کافی برای هدف های خودشان نمی دیدند. به دلیل این که به همان	احساس فعالیت های پنهان و تبلیغاتی آمریکایی ها علیه استقلال ایران

1 Support

تجربیات زیسته	زیر طبقه
دلیل که احساس کرده بودند که شاه یک فرد است و این یک فرد هیچ‌گونه زمینه مردمی ندارد و تمام نیروی داخلی را در مقابل خودش قرار داده یعنی تمام توده ملت ایران را در برابر خودش قرار داده است. «بنی‌احمد، ۱۳۸۴: ۵؛ ۱۱».	
دو نفر کشیش گرفتار شده بودند که معلوم شده بود افسران امریکایی هستند. به عنوان کشیش رفته‌اند آن‌جا و مشغول تبلیغات بر علیه، به اصطلاح بر له مسیحی‌ها و بر علیه دولت بودند. «آذر، ۱۳۸۳: ۱؛ ۴».	

پنداشت از نقش انگلستان در تحولات داخلی ایران

اگرچه کودتای ۲۸ مرداد و برکناری مصدق موجب بهبود نسبی روابط ایران و انگلستان شد (از غندی، ۱۳۸۸: ۲۴۱) و در سال‌های بعد و با خروج نیروهای انگلیس نیز از منطقه، نقش انگلستان در تحولات ایران بسیار کاهش یافت اما اعتقاد به نقش انگلیسی‌ها در تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در عصر پهلوی همواره به صورت جدی و به مراتب بیش از نقش آمریکا مورد توجه بوده است. عباراتی همچون: «کار، کار انگلیس است» و... ضرب‌المثل رایج در میان ایرانیان است (استراو، ۱۳۹۸: ۳۶). نکته قابل تأمل اینکه ادبیات سیاسی ایران در این دوره نیز حامل آثار فراوانی است که نقش منفی انگلیس را به مخاطبان ایرانی یادآور می‌شود. کدهای جمع‌آوری شده در جدول شماره دو بر مبنای تحلیل محتوایی تاریخ شفاهی هاروارد، پنداشت کارگزاران حکومت پهلوی از نقش انگلستان را در تحولات داخلی ایران نشان می‌دهد:

جدول ۳. پنداشت کارگزاران حکومت پهلوی از نقش انگلستان در تحولات داخلی ایران، منبع: نگارندگان

تجربیات زیسته	زیر طبقه
انگلیس‌ها مثل لاکپشت می‌مانند از همه طرف حرکت می‌کنند. به نظر من شاید اولاً خواستند از دست نوکرهای مزاحم خلاص بشوند که اینها می‌توانستند که گوش‌گرگی نشان انگلیس‌ها به نظر من این بود که اولاً شاید می‌خواستند که گوش‌گرگی نشان اعلیحضرت بدهند که بگویند که ما می‌توانیم مملکت را به هم بزنیم آخوند و مالک و اینها و یکی هم اینکه شاید هم با این برنامه اصلاً مخالف بودند و مسلم برای من این است، مسلم، که انگلیس‌ها با شاه بد بودند و مسلم هم این است که با خوانین فارس ارتباط داشتند و با خمینی هم ارتباط داشتند. حالا به شما بگویم یک قصه مهمی که خودم شاهدش بودم ولی با سفیر انگلیس. این مطلب خیلی قابل توجه است که ببینیم	احساس حمایت انگلیس از مخالفان و تلاش برای بی‌ثباتی داخلی ایران

تجربیات زیسته	زیر طبقه
که انگلیس ها چرا با شاه بد بودند و شاه چرا با انگلیس ها بد بود، من می دانستم که شاه به انگلیس ها بغض دارد و طرز فکرش این بود که اینها پدرم را تبعید کردند می خواستند مملکت را اشغال کنند چند دفعه اشغال کردند، می خواستند مملکت را قسمت کنند و از این چیزها. تو دامن امریکایی ها... از روس ها هم که می ترسید پس دیگر تنها چیزی که برایش مانده بود امریکایی ها بود. این رفته بود تو دامن امریکایی ها نشسته بود و به انگلیس ها سنگ پرت می کرد. « پیراسته، ۱۹۸۵، ق: ۹-۱۴-۱۵. » وقتی ما به سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ رسیدیم بی بی سی با نقشی که پیدا کرده بود نشان می داد که قدرت انگلیس پشت سر مخالفان هست، « همایون، ۱۹۸۳؛ ق: ۶-۵. »	
انگلیس ها اینطور هستند با اشخاصی که خیلی نزدیک هستند نمی خواهند دیگران متوجه شوند چون می دانند انظار با افکار آنها با سیاست انگلیس ایرانی بد است به طور کلی ملت ایران با سیاست انگلیس با خود انگلیس مخالف است. نمی خواستند کسی که ممکن بود از وجودش استفاده کنند در انظار خیلی متناسب به انگلیس ها باشد. س- این قدر که واقعا می گویند انگلیس ها در ایران نفوذ داشتند این راست است؟ ج- بله الان هم دارند. الان هم دارند « قشقای، ۱۹۸۳؛ ق: ۲۶. » دکتر امینی را می خواستند ببرند نخست وزیر بکنندش، اما کی؟ هان این مضحک است، انگلیس ها نه امریکایی ها ولیکن انگلیس ها از بس که حرامزاده هستند توسط امریکا این کار را کردند « قریب، ۱۹۸۵؛ ق: ۱۸۳. » س- شما گفتید که فکر می کنید شاه واقعا در آن مراحل ترسید. برداشتان از رفتار شاه در آن ساعاتی که با او ملاقات کردید، فکر می کنید چه ترسی داشت؟ فکر می کرد انگلیس چه کار با او می کند؟ ج- فکر می کنم اعلی حضرت دو فکر کرده. یکی اینکه ممکن است بکشندش، هنوز دلش می خواسته زنده باشد. یکی اینکه فکر می کرده در ایران به وسیله یک نظامی یا یک قدرتمندی یک کودتایی بکنند به نفع خمینی، و او را بگیرندش و پای میز محاکمه بکشندش « رمزی عطایی، ۱۹۸۵؛ ق: ۳؛ ۱۵. » با تمام تزویر و حیلای انگلستان با تمام کارشکنی هایی که آن ها می کردند و از طرف عناصر مرتجع داخلی ایرانی مستمرا تقویت می شدند، با وجود رعبی که محمدرضاشاه از انگلیس ها داشت روی تجربه پدرش اما اگر مصدق این قدرت ملی را از بالقوه بودن	احساس حیلگری و نفوذ پنهان انگلیس در ایران

تجربیات زیسته	زیر طبقه
به بالفعل درآورده بود و یک حزبی مثل حزب کنگره پشت سرش بود حيله ی ۲۸ مرداد هم به جایی نمی رسید» بختیار، ۱۹۸۶، ق: ۱، ۱۱.	
اعلیحضرت، عادت داشت راه می رفت، گفتند از من سؤال کردند، «مطالبان چیست؟» گفتم که، «قربان، مطالب من این است که روزی که من وزیر بازرگانی شدم هر کاری که توی این مملکت رجوع کردند به من. من کردم، برای این که فکر می کردم برای مملکت من آدم وزیر شدم کارکنم..... من همه این کارها را کردم و همان طور که اعلیحضرت داشت راه می رفت، دست اعلیحضرت را اینجوری گرفتم، گفتم، «قربان این است پاداش صداقت توی این مملکت؟»... ایستادند یک نگاهی به من کردند که من دست شان همان جور توی دستم بود، گفتند، «به همین دلیل ولی ما شما را حفظ می کنیم، می دانم این تقصیر از شما نیست»، عین جمله، «تقصیر از خود این انگلیس هاست» «مهدوی، ۱۹۸۴، ق: ۸، ۴». موقعی که خلع ید صورت گرفت. ما وقتی که خانه سدان را تصرف کردیم و آن گاوصندوق محتوی دفترهای رمز، لای یکی از دفترها آن دستنویس را پیدا کردیم که همان را بردند لاهه که نمودار دخالت انگلیس در کارهای ما بود... باعث شد که دادگاه لاهه رأی به عدم صلاحیت خودش صادر کرد. چون این دیگر صحبت یک شرکت و دولت و ایران نبود، دخالت در دولت ایران بود. «بقای کرمانی، ۱۹۸۶، ق: ۲۱، ۲۰». عرب و از عجم هایی هستند که رفتند عربستان در ۷۰ سال ۶۰ سال پیش رفتند آنور خلیج فارس، شارجه، دوی، قطر، رأس الخیمه و اینها. که این دوتا یکی اش مال شارجه بود، قلمرو شیخ شارجه است. البته این موقعی هم که ما تحویل گرفتیم نماینده ی شیخ شارجه هم بود، آنجا پیاده شدیم. البته ما با مردم عرب خیلی خیلی خوب رفتار کردیم. خیلی برایشان وسایلی فراهم کردیم و یک حد مرزی هست وسط جزیره. نه آنها بیایند اینور، نه ما برویم آنور. هیچی از مذاکرات سیاسی اش من نمی دانم. در جریانش نبودم. ولی مسلماً بدون موافقت یک کشوری مثل انگلستان نمی توانستیم ما ببریم آن دوتا جزیره را بگیریم «رمزی عطایی، ۱۹۸۵، ق: ۱، ۲۲».	احساس تأثیر نفوذ انگلیس در سیاست های اقتصادی و قضایی ایران

پنداشت از نقش شوروی در تحولات داخلی ایران

نزدیکی جغرافیایی و نقش بسزای روس ها در تحولات ایران، روابط ایران با شوروی را بسیار متمایز از دو ابر قدرت دیگر می کرد. شاه در چهارچوب ناسیونالیسم مثبت، بزرگترین خطر را

تلاش‌های شوروی برای حمایت از گروه‌ها طرفدار خود و اشاعه کمونیسم در ایران برمی‌شمارد (زارع، ۱۳۹۸: ۶۸). از این رو می‌توان سیاست کلی ایران در برابر شوروی را حتی در دهه ۴۰ تا ۵۰ که تلاش برای همزیستی مسالمت آمیز توسط دو دولت پیگیری شد در بهترین حالت مبتنی بر همکاری بازرگانی و فنی و مقاومت سیاسی تفسیر کرد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۹: ۳۲۶). در دهه ۵۰ تا پایان حکومت پهلوی دوم روابط ایران با شوروی با همین راهبرد پیگیری شد، تا جایی که حتی در زمینه‌های سیاسی روس‌ها تلاش کردند تا انتقادات خود را نسبت به شاه کمتر و راه را برای همزیستی بیشتر هموار سازند. جدول شماره سه پنداشت کارگزاران حکومت پهلوی از نقش اتحاد جماهیر شوروی را در تحولات داخلی ایران نشان می‌دهد:

جدول ۴. پنداشت کارگزاران حکومت پهلوی از نقش اتحاد جماهیر شوروی، منبع: نگارندگان

تجربیات زیسته	زیر طبقه
روسیه دخالت مستقیم در کارهای ایران می‌کرد و کمونیست بار می‌آوردند برای اینکه به ایران بفرستند و خودشان را حاضر می‌کردند برای آن روز چه برای حزب و چه برای اتحادیه کارگری. «نقیسی، ۱۹۸۴، ق: ۳: ۱۰». آن وقت اوضاع چکسلواکی خیلی بد بود؛ «مازاریک» ۱ وزیر خارجه چکسلواکی بود که خیلی مرد وطن پرستی بود و کمونیست‌ها داشتند که اوضاع را در دست می‌گرفتند هنوز چکسلواکی کمونیست نشده بود ولی نزدیک بود که بگیرندش. من رفتم «بنش» ۲ را دیدم پیغام‌ها را به او دادم بنش به من گفت که «به شاه از قول من سلام برسانید بگویند که ایران و چکسلواکی در آسیا و اروپا هر دو نسبت به شوروی‌ها در یک وضعیت هستند، ما از بین رفته هستیم اما امیدوارم شما از بین نروید؛ بنش این پیش‌بینی را همان وقت می‌کرد شش ماه بعدش هم آنجا سقوط کردند.... در سفارت شوروی در تهران دو دسته شده بودند یک دسته‌ای بودند که می‌گفتند که باید در ایران نفوذ کرد از طریق حزب توده؛ یک دسته‌ای هم بودند که می‌گفتند که در ایران باید از بالا نفوذ کرد؛ (اقبال، ۱۹۸۵: ق: ۱؛ ۲۱). س- شما تا آنجایی که به خاطر می‌آوردید آیا واقعاً جریان آذربایجان یک مسئله‌ای بود که روس‌ها در آنجا علم کرده بودند یا این که ریشه‌های محلی داشت؟ ج- مسلماً روس‌ها علم کرده بودند، در نتیجه به ظلم و محرومیت طبقه پایین کاری ندارد، فقط می‌خواهند اوضاع را برگرداند، ولی اینکه روس‌ها در آن جا دخالت	احساس دخالت و نفوذ مستقیم شوروی در امور داخلی ایران

1 Jan Masaryk (1886-1948)

2 Edvard Beneš (1884-1948)

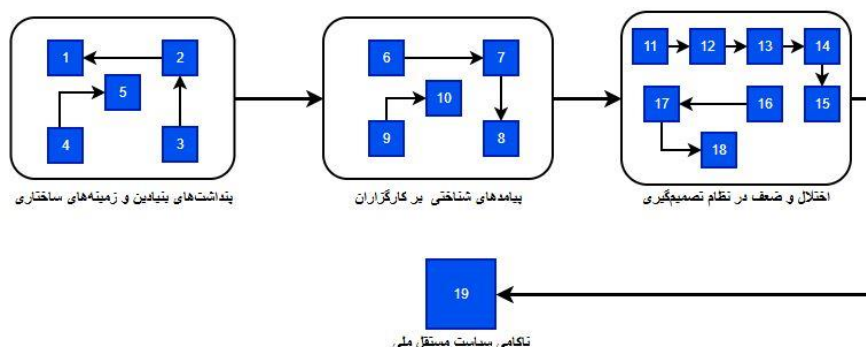
تجربیات زیسته	زیر طبقه
داشتند، تردیدی نمی‌توان داشت «فریور، ۱۹۸۴: ۱؛ ۱۱-۱۰».	
بختیار تلفن کرد که امشب بیا در کلوب ایران جوان با هم شام بخوریم. من رفتم آنجا دیدم آقای دکتر شبانی رئیس مدرسه‌ی بیمه ایران دانشکده بیمه ایران و یک شخصی هم به نام دکتر امید بود که دوست فردوست بود ... و بعد این خیلی مهم بود گفت اصولاً شاه هم باید برود. در همان لحظه هنوز شاه نرفته بود باز هم من خیال کردم این می‌خواهد من را آزمایش کند! گفتم تیمسار باز هم می‌خواهید من را آزمایش کنید آنچه که قابل توجه بود همان شب یک کاغذی درآورد گفت اعلی حضرت باید بروند مملکت هم از این صورت خارج می‌شود و گفت دو سال پیش نقشه‌اش در امریکا تهیه و تدوین می‌شد. بعد برداشت مدادش را و یک کاغذی در آورد شمال ایران را خط کشید گفت اینجا فدرال می‌شود کردستان را خط کشید گفت اینجا مستقل می‌شود بعد آذربایجان را خط کشید گفت اینجا تابع روس‌ها می‌شود بعد جنوب را خط کشید گفت یک سازمان بین‌المللی به وجود می‌آید بعد گفت از راه بلوچستان هم یک راهی به خلیج فارس به شوروی داده می‌شود «خسروانی، ۱۹۸۳: ۲؛ ۲۲».	احساس تهدید تجزیه‌طلبی و تقسیم ارضی ایران توسط شوروی
ما مطالعات حقوقی مفصلی کردیم که ماده پنج و شش دیگر منسوخ است و قرارداد عدم تجاوز با شوروی هم کی به قول شوروی، رو قول شوروی می‌تواند حساب بکند بنابراین شما یک چیز واهی را روی آن دارید حساب می‌کنید و یک قراردادی که جنبه تعهدش بیشتر است ... بهانه‌گیری خیلی کار آسانی است «افشار قاسملو، ۱۹۸۵: ۲؛ ۵».	احساس بی‌اعتماد به تعهدات و قراردادهای شوروی

بازتحلیل داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌های تاریخ شفاهی هاروارد نشان می‌دهد احساس مناسبات نابرابر، پذیرش سلطه قدرت‌های خارجی، بی‌اعتمادی تاریخی به قدرت‌های خارجی و احساس تحقیر در برابر خارجی در مجموع تصویر ذهنی کارگزاران ایرانی از نقش قدرت‌های بزرگ (آمریکا، انگلستان، شوروی) بوده است. مقاله در ادامه با ردیابی فرایندی مفاهیم مذکور می‌کوشد تا فرضیه اصلی خود را آزمون کند.

ردیابی فرآیندهای منجر به ناکامی در سیاست مستقل ملی در ایران

با توجه به شواهد تاریخی ارائه شده، درک چگونگی ناکامی سیاست مستقل ملی بدون فهم صحیح تصویر و پنداشت نخبگان پهلوی دوم از قدرت‌های بزرگ در ایران امکان پذیر نبود. برای این منظور کل واقعه تاریخی را که چگونه عوامل متعددی به صورت توالی صورت پذیرفته است تا در نهایت سیاست مستقلی ملی به مانند سایر راهبردهای سیاست خارجی در ایران قبل از انقلاب اسلامی نتواند اهداف خود را محقق کند، در قالب شکل (۱) به نمایش گذاشته می‌شود:

شماره فرایند	گزاره فرایندی منجر به ناکامی در سیاست مستقل ملی
۱	تقویت بی‌اعتمادی تاریخی به قدرت‌های خارجی
۲	پنداشت‌های منفی از نقش آفرینی قدرت‌های خارجی
۳	وابستگی اقتصادی به آمریکا
۴	افزایش وابستگی نظامی به آمریکا
۵	ادراک سلطه آمریکا بر سیاست‌های ایران
۶	کاهش اعتماد به نفس کارگزاران
۷	ادراک ناتوانی در برابر کارشناسان آمریکایی
۸	ترس از تحمیل سیاست‌های اقتصادی آمریکا
۹	ترس از توطئه برای تغییر رژیم
۱۰	تقویت پنداشت توطئه
۱۱	ناکارآمدی در سیاست داخلی
۱۲	تضعیف مشروعیت سیاست مستقل ملی
۱۳	سردرگمی در تصمیم‌گیری‌ها
۱۴	تصمیم‌گیری‌های ضعیف شاه
۱۵	تشدید بی‌اعتمادی به دلیل سیاست حقوق بشری
۱۶	ادراک مداخله آمریکا در بحران‌های سیاسی
۱۷	محدود شدن ابتکار عمل در سیاست خارجی
۱۸	تضاد ادراکی با شعار سیاست مستقل ملی
۱۹	ناکامی سیاست مستقل ملی



شکل ۱. ردیابی فرایندهای منجر به ناکامی سیاست مستقل ملی در ایران در تجربه زیسته کارگزاران، منبع:

نویسندگان

مطابق شکل (۱) تحلیل جامع فرآیند ناکامی راهبرد «سیاست مستقل ملی» مستلزم فراتر رفتن از سطح بیانیه‌های رسمی و ردیابی دقیق زنجیره علت و معلولی است که نشان می‌دهد چگونه پنداشت‌های نخبگان سیاسی، سیاستگذاری را به تدریج از محتوای راهبردی تهی ساخت. در حالی که گفتمان رسمی رژیم پهلوی، به ویژه شخص محمدرضا شاه، با قاطعیت بر استقلال مطلق در اتخاذ سیاست‌های ملی تأکید می‌ورزید، شواهد شکافی عمیق میان این لفاظی‌ها و واقعیت ذهنی حاکم بر دستگاه تصمیم‌ساز را آشکار می‌سازد؛ شالوده تحلیل فرآیند ناکامی سیاست مستقل ملی، بر بستری از پنداشت‌های منفی تاریخی نسبت به قدرت‌های بزرگ استوار است که صرفاً یک خاطره تاریخی منفعل نبود و در عمل به یک «ادراک سلطه و «احساس ناتوانی ساختاری در برابر کارشناسان خارجی» در تعاملات روزمره تکنوکراتیک و سیاسی ترجمه می‌شد. به عنوان نمونه، ارتشبد طوفانیان با صراحت اذعان می‌دارد که هیئت مستشاران آمریکایی، منحصراً «حافظ منافع امریکا بودند» و هوشنگ نهاوندی، تجربه تعامل با نهادهای بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول را با عباراتی چون «وحشت و ارباب و ضعف ایرانی‌ها» توصیف می‌کند، وضعیتی که در آن کارگزاران ایرانی خود را فاقد هرگونه قدرت اثرگذاری می‌یافتند. این حس ناتوانی در سطح سیاستگذاری، به صورت مستقیم به «ترس از تحمیل سیاست‌های اقتصادی از سوی آمریکا» دامن می‌زد و در سطحی کلان‌تر، به «هراس از توطئه برای تغییر رژیم» پیوند می‌خورد. کارگزاران، از جمله حاج علی کیا که صراحتاً از طرح‌های آمریکا برای «کودتا» و جایگزینی شاه سخن می‌گفت،

همواره نگران بهره‌برداری قدرت‌های خارجی از اهرم‌های اقتصادی برای نیل به اهداف سیاسی بودند. در چنین فضای سیاسی مشحون از بدبینی هرگونه ابتکار عمل مستقل در عرصه سیاست خارجی عملاً ناممکن می‌شد. نقطه کانونی این فرآیند فرسایشی، «تضاد ادراکی بنیادین میان شعار رسمی سیاست مستقل ملی و واقعیت درونی نخبگان» بود؛ محمد باهری این تناقض را با تمایز قائل شدن میان همکاری برابر با یک متحد (مساعدت گرفتن) و تبدیل شدن به ابزار سیاست خارجی قدرتی دیگر (نوکر آنها نبودن)، به شکل دقیقی صورت‌بندی کرده و با صراحتی تلخ نتیجه می‌گیرد که وضعیت دوم بر مناسبات حاکم بود: «انسان اگر قرار باشد آلت باشد خب مردم خوششان نمی‌آید...». این تضاد عمیق، به «کاهش اعتماد به نفس کارگزاران» و به تبع آن «محدود شدن شدید ابتکار عمل در دستگاه سیاست خارجی» منجر شد. مجموعه این عوامل از ترس و بی‌اعتمادی ساختاری گرفته تا تضاد ادراکی فلج‌کننده در نهایت به «تصمیم‌گیری‌های ضعیف شاه» و «سردرگمی مزمن در سیاست خارجی» منجر شد. این ضعف در تصمیم‌گیری، صرفاً محصول شرایط ساختاری نبود، بلکه با ویژگی‌های روانشناختی شاه نیز گره خورده بود. ماروین زونیس در اثر خود، «شکست شاهانه»، استدلال می‌کند که شاه با تردید به روابط خود با ایالات متحده احساس می‌کرد که کابینه کارتر خواهان برکناری اوست (زونیس، ۱۳۷۰: ۴۶۲). و در روزهای سرنوشت‌ساز دیگر ظرفیت لازم برای اتخاذ تصمیمات مهم را نداشت (همان: ۳۰۱). در نتیجه، تصمیمات او به جای آنکه برآیند یک تحلیل راهبردی از منافع ملی باشند، واکنشی متزلزل به ترس‌ها، سوءظن‌ها و تلاش برای حفظ موازنه میان فشارهای خارجی و لفاظی‌های داخلی بودند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این نوشتار با استفاده از آموزه‌های نظریه پرسپکتیویسم نشان داد، پنداشت از مناسبات نابرابر با قدرت‌های خارجی و ادراک از محدودیت در استقلال عمل، به شکل‌گیری بدبینی و تردیدی عمیق و ساختاری در میان کارگزاران نسبت به کارآمدی سیاست مستقل ملی منجر شد. با وجود آنکه اکثر مصاحبه‌شوندگان مقامات ارشد در سیاستگذاری کشور محسوب می‌شدند اما هیچ ابایی از بیان احساس ناتوانی خود در برابر ابرقدرت‌ها نداشتند. مطابق یافته‌های این پژوهش، تصمیمات سیاست خارجی ایران مبتنی بر «هراس» و عدم اعتماد به نفس بوده است. این وضعیت،

تنها یک ضعف شناختی ناشی از عدم درک صحیح توان ابرقدرت‌ها نبود، بلکه ریشه در ساختار روانشناختی شخص اول مملکت داشت که بر کل دستگاه تصمیم‌ساز سایه افکنده بود. این ضعف روانشناختی، در کنار عدم شناخت دقیق از توانایی‌ها و شرایط داخلی، نهایتاً به سردرگمی مقامات تصمیم‌ساز و ناتوانی آنها در تجزیه و تحلیل واقع‌گرایانه اطلاعات منجر می‌شد و هرگونه امکان دستیابی به منافع ملی از طریق یک راهبرد مستقل را از بین می‌برد. مقاله سرانجام با ردیابی فرایندهای منجر به ناکامی سیاست مستقل ملی در ایران بر مبنای تجربه زیسته کارگزاران نشان داد چرا سیاست مستقل ملی نتوانست در تامین منافع ملی ایران موفق عمل کند و به صورت روشمند نشان داد «سیاست مستقل ملی» به واسطه پنداشت کارگزاران سیاست خارجی ایران در قبال قدرت‌های بین‌المللی از یک دکترین بالقوه برای ارتقای جایگاه کشور، به مجموعه‌ای از اقدامات تاکتیکی و واکنشی تنزل می‌یافت که از هر جهت فاقد توانایی لازم برای ایجاد تحول در معادلات بنیادین وابستگی ایران بود زیرا سیاستی که مجریانش باور درونی به امکان تحقق آن نداشته باشند، در عرصه عمل دچار فلج راهبردی خواهد شد.

فهرست منابع

- Abrahamian, E., Katouzian, H., Ashraf, A. (1382). *Essays on the conspiracy theory in Iran* (Ed. & Trans. M. E. Fattahi). Tehran: Ney. [In Persian]
- Afshar-Qasemlu, A.-K. (1985). Interview with Amir-Khosrow Afshar-Qasemlu. *Iranian Oral History Project, Harvard University*, Vol. 2. [In Persian]
- Alikhani, A.-N. (1984). Interview with Ali-Naqi Alikhani. *Iranian Oral History Project, Harvard University*. [In Persian]
- Ali-Sufi, A. (1389). *The role of balance policy and the Third Force in Iran's history*. 1st ed. Tehran: Payam-e Noor. [In Persian]
- Atcha, H. (2022). Process Tracing for the Institutional Researcher. The AIR Professional File, Spring 2022.
- Azar, M. (1983). Interview with Mehdi Azar. *Iranian Oral History Project, Harvard University*, Vol. 1. [In Persian]
- Azghandi, A. (1388). *Iran's foreign relations, 1320-1357*. 9th ed. Tehran: Qumes. [In Persian]
- Baheri, M. (1982). Interview with Mohammad Baheri. *Iranian Oral History Project, Harvard University*, Vol. 6. [In Persian]
- Bakhtiar, S. (1986). Interview with Shapour Bakhtiar. *Iranian Oral History Project, Harvard University*, Vol. 7. [In Persian]
- Bani Ahmad, A. (1984). Interview with Ahmad Bani Ahmad. *Iranian Oral History Project, Harvard University*, Vol. 7. [In Persian]

- Baqa'i Kermani, M. (1986). Interview with Mozaffar Baqa'i Kermani. *Iranian Oral History Project, Harvard University*, Vol. 5. [In Persian]
- Beach, D., & Pedersen, B. (2013). Process-tracing methods: Foundations and guidelines. The University of Michigan Press: Ann Arbor.
- Behestani, M. (2017). The intertwinement of U.S.–Iran foreign relations in the last two decades of the Pahlavi monarchy: A case study of the Twin Pillars policy. *State Studies of Contemporary Iran*, 1(1). [In Persian]
- Berman, Sheri (1998), *The Social Democratic Moment: Ideas and Politics in the Making of Interwar Europe*, Cambridge: Harvard University Press.
- Bill, J. A. (1371). *The Eagle and the Lion: The tragedy of American–Iranian relations* (Trans. M. Gholami). Tehran: Shahr-e Ab. [In Persian]
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
- Collier, D. (2011). Understanding process tracing. *PS: political science & politics*, 44(4), 823-830.
- Ebtahaj, A. (1981). Interview with Abolhassan Ebtahaj. *Iranian Oral History Project, Harvard University*, Vol. 4. [In Persian]
- Eqbal, K. (1985). Interview with Khosrow Eqbal. *Iranian Oral History Project, Harvard University*, Vol. 2. [In Persian]
- Fariour, G.-A. (1984). Interview with Gholam-Ali Fariour. *Iranian Oral History Project, Harvard University*, Vol. 13. [In Persian]
- Fay, B. (1381). *Contemporary philosophy of social science* (Trans. K. Dehimi). Tehran: Tarh-e No. [In Persian]
- Foran, J. (1377). *Fragile Resistance: Social transformations in Iran* (Trans. A. Tadian). Tehran: Rasa Cultural Services. [In Persian]
- Foroughi, M. (1982). Interview with Mahmoud Foroughi. *Iranian Oral History Project, Harvard University*, Vol. 13. [In Persian]
- Gasiorowski, M. (1371). *U.S. Foreign Policy and the Shah* (Trans. F. Fatemi). Tehran: Markaz. [In Persian]
- Ghaffari, Z. (1384). *Conspiracy theory in Iran's contemporary political culture*. 1st ed. Tehran: Soroush. [In Persian]
- Gharib, H. (1985). Interview with Hormoz Gharib. *Iranian Oral History Project, Harvard University*, Vol. 13. [In Persian]
- Gil Guerrero, J. (1400). *The Carter Administration and the Collapse of the Pahlavi Dynasty* (Trans. G. Ali Babaei). Tehran: Ketab Parsch. [In Persian]
- Hay, C. (1385). *An introductory critique to political analysis* (Trans. A. Golmohammadi). Tehran: Ney. [In Persian]
- Homayoun, D. (1983). Interview with Dariush Homayoun. *Iranian Oral History Project, Harvard University*, Vol. 20. [In Persian]
- Jahangiri, S., Khaleghi-Nejad, M. (1399). The role of balance policy and the Third Force in Iran's history (Qajar and Pahlavi). *Islamic Azad University Research Journal (Quarterly History)*, 15(56), 251–275. [In Persian]
- Jervis, Robert (2006), "Understanding Belief", *Political Psychology*, Vol27, No5.
- Keddie, N., Gasiorowski, M. (Eds.). (1386). *Neither East nor West: Iran's relations with the Soviet Union and the United States*. Tehran: Mizan. [In Persian]
- Kheradjou, A. (1984). Interview with Abolqasem Kheradjou. *Iranian Oral History Project, Harvard University*, Vol. 9. [In Persian]

- Khosrowani, P. (1983). Interview with Parviz Khosrowani. *Iranian Oral History Project, Harvard University*, Vol. 9. [In Persian]
- Kia, H. A. (1985). Interview with Haj Ali Kia. *Iranian Oral History Project, Harvard University*, Vol. 14. [In Persian]
- Kubalkova, Vendulka (1998) *International Relations in A Constructed World*, New York: M.E Sharpe.
- Mahdavi, A.-H. (1389). *Iran's Foreign Policy during the Pahlavi Era, 1300-1357*. 8th ed. Tehran: Pikan. [In Persian]
- Mahdavi, A.-H. (1393). *Iran's Foreign Policy during the Pahlavi Era, 1300-1357*. 10th ed. Tehran: Pikan. [In Persian]
- Mahdavi, F. (1984). Interview with Fereydoun Mahdavi. *Iranian Oral History Project, Harvard University*. [In Persian]
- Mahvi, A.-F. (1985). Interview with Abolfath Mahvi. *Iranian Oral History Project, Harvard University*, Vol. 16. [In Persian]
- Mehr, F. (1984). Interview with Farhang Mehr. *Iranian Oral History Project, Harvard University*. <https://iranhistory.net/mehr> [In Persian]
- Mintz, Alex (2004). "How Do Leaders Make Decisions? A Poliheuristic Perspective". *The Journal of Conflict Resolution*, 48 (1), 3-13.
- Moghadam, G. (1983). Interview with Gholam-Reza Moghadam. *Iranian Oral History Project, Harvard University*, Vol. 17. [In Persian]
- Naderi, A., Houshang, H.-R. (1399). The Deprivation Cases and Social Gap in the Second Pahlavi Era (Causes and Contexts). *State Studies of Contemporary Iran*, 6(3), 93-115. [In Persian]
- Nafisi, H. (1984). Interview with Habib Nafisi. *Iranian Oral History Project, Harvard University*, Vol. 18. [In Persian]
- Nahavandi, H. (1985). Interview with Houshang Nahavandi. *Iranian Oral History Project, Harvard University*, Vol. 19. [In Persian]
- Nahavandi, H., Bomati, Y. (1392). *Mohammad Reza Pahlavi: The last Shahanshah, 1919-1980*. France: Sherkat-e Ketab. [In Persian]
- Neack, Laura (2019) (Fourth Edition). *Studying Foreign Policy comparatively: Cases and Analysis*. Newyork, United States: Rowman & Littlefield.
- Norouzi Chelcheh, M & Sheikhzadeh, H & Mohammadi Masiri, A (2025). Structural Analysis of U.S. Political and Security Influence in the Pahlavi Monarch. *State Studies of Contemporary Iran*, 1(10), 137-16 [In Persian]
- Pahlavi, M. R. (1337). *The Royal Speeches of His Imperial Majesty Mohammad Reza Shah Pahlavi, Shahanshah of Iran*. Tehran: Ettela'at. [In Persian]
- Pahlavi, M. R. (1346). *The White Revolution*. 2nd ed. Tehran: Royal Library. [In Persian]
- Pahlavi, M. R. (1348). *Official foreign trip speeches, 1346-1347*. Tehran: Faculty of Law and Political Science. [In Persian]
- Pahlavi, M. R. (1352). *Statements, interviews and messages of His Imperial Majesty the Shahanshah Aryamehr*. Tehran: Ministry of Information, Directorate General of Publications. [In Persian]
- Pahlavi, M. R. (1355). *Toward the Great Civilization*. Tehran: Pahlavi Library. [In Persian]
- Pahlavi, M. R. (n.d.). *Selected writings and speeches of the Shahanshah Aryamehr*. [In Persian]
- Pirasteh, M. (1985). Interview with Mehdi Pirasteh. *Iranian Oral History Project, Harvard University*. [In Persian]

- Price, Richard and Christian Reus – Smith (1998), "Dangerous Liaisons? Critical International Theory and Constructivism", *European Journal of International Relations*, Vol. 4, No. 3.
- Qashqai, M.-N. (1983). Interview with Mohammad-Naser Qashqai. *Iranian Oral History Project, Harvard University*, Vol. 14. [In Persian]
- Ramzi-Ataei, A. (1985). Interview with Abbas Ramzi Ataei. *Iranian Oral History Project, Harvard University*, Vol. 11. [In Persian]
- Saeedi, A.-A. (1399). *Technocracy and economic policymaking in Iran: In conversation with Reza Niazmand*. 17th ed. Tehran: Louh-e Fekr. [In Persian]
- shariati, S. and Yousefi, A. (2020). *Corona Pandemic and Foreign policy of Iran: A Poliheuristic Overview. Research Letter of Political Science*, 15(2), 119-146. doi: 10.22034/ipsa.2020.402 [In Persian]
- Soltani Ahmadi, M., Gohari Fakhrabad, M., Pourqanbar, M.-H. (1399). Reconsideration of Mohammad Reza Pahlavi II's foreign policy doctrine. *Faslname-ye Tarikh-e Ravabet-e Khareji*, 22(85), 79–102. [In Persian]
- Spragens, T. (1389). *Understanding political theory* (Trans. F. Rajace). 6th ed. Tehran: Agah. [In Persian]
- Sullivan, W. H. (1392). *Mission to Iran: Memoirs of the last U.S. ambassador to Iran* (Trans. E. Moshfeghi-Far). Tehran: Center for Islamic Revolution Documents. [In Persian]
- Toufanian, H. (1985). Interview with Hassan Toufanian. *Iranian Oral History Project, Harvard University*, Vol. 13. [In Persian]
- Vazirian, A.-H. (1398). Analysis of the Pahlavi regime's policy in the Persian Gulf. *Danesh-e Siasi*, 15(1). [In Persian]
- Yeganeh, M. (1982). Interview with Mohammad Yeganeh. *Iranian Oral History Project, Harvard University*, Vol. 20. [In Persian]
- Zare', K. (1398). *Iran–Soviet political and economic relations in the Second Pahlavi period (based on unpublished Persian archives)*. 1st ed. Tehran: Manshur-e Samir. [In Persian]
- Zonis, M. (1370). *Majestic failure: The psychology of the Shah* (Trans. A. Mokhber). Tehran: Tarh-e No. [In Persian]

